

سه‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۸ ● ۱۱ ذی الحجه ۱۴۴۰ ● ۱۳ آگوست ۲۰۱۹

اخبار

رئیس امور افراد دارای معلولیت باشگاه مخاطبین:

پردیس سینمای چهارباغ میزبان افراد دارای معلولیت بود

رئیس امور افراد دارای معلولیت باشگاه مخاطبین گفت: برای نخستین بار سهمیه ای برای افراد معلول در نظر گرفته نشده و عدالت میان افراد توانمند و معلول برقرار است.

به گزارش امتیاز؛ علی عباسی اظهار کرد: با توجه به تجربه موفقی که در دوره سی و یکم داشته‌ایم، با قدرت بیشتری شاهد حضور افراد دارای معلولیت در جشنواره سی و دوم خواهیم بود. وی ادامه داد: برای سهمیه کلاس‌های حقوق افراد دارای معلولیت و استانداردهای بین المللی به جای استفاده از کلمه توانخواهان و یا توان‌یابان از کلمه افراد دارای معلولیت استفاده می‌کنیم و در تمامی مکاتبات از این عبارت استفاده خواهیم کرد.رئیس امور افراد دارای معلولیت باشگاه مخاطبین با اشاره به هدف این کمیته، تصریح کرد: هدف اصلی این کمیته ایجاد فرهنگ سازی لازم در خصوص رفتار صحیح با معلولان است.عباسی گفت: برای فرهنگسازی در این زمینه پوستر و اینفوگرافی هایی را طراحی کرده ایم و سالن سخنرانی چهارباغ برای استفاده راحت تر معلولین تجهیز شده است. وی با بیان اینکه در جشنواره سی و دوم برابری بین افراد دارای معلولیت و دیگر مخاطبین برقرار شده است، گفت: برای نخستین بار سهمیه ای برای افراد معلول در نظر گرفته نشده و عدالت میان افراد توانمند و معلول برقرار است.رئیس امور افراد دارای معلولیت باشگاه مخاطبین افزود: به کمک کمیته بازاریابی با کارخانه‌هایی که در تولید وسایل برای معلولین، فعالیت می‌کنند تعامل کرده‌ایم تا با استفاده از کارت های تخفیف جشنواره از امکانات در نظر گرفته شده استفاده کنند.عباسی با اشاره به همکاری ۱۸ انجمن و سمن مردم نهاد با جشنواره فیلم‌های کودکان ونوجوانان تصریح کرد: در این دوره از جشنواره برای نابینایان و ناشنوایان ارکان های تخصصی و دوبله همزمان خواهیم داشت و امیدواریم بتوانیم حضور افراد دارای معلولیت را در سینماها را دائمی کنیم.

پیش فروش «و هنگ او را ر بلید» در آمازون

رمانی از امیراحمدی آریان نویسنده و ژورنالیست ایرانی با عنوان « و نهنگ او را بلید» که به زبان انگلیسی تالیف شده است، فردرین ماه سال جاری از سوی نشر هایپرکالینز منتشر می‌شود.

وی با اعلام این خبر تصویری از ماکت این اثر را نیز که توسط ناشر ارسال شده است به نمایش گذاشته است.

ناشر این رمان همچنین در حال حاضر از طریق وبسایت آمازون امکان پیش‌خرید شدن آن را فراهم کرده است.
امیر احمدی آریان دانش‌آموخته ادبیات تطبیقی دانشگاه نیوزیلند استرالیا در مقطع دکتری است و در جامعه ادبی ایران با نقدهای مطبوعاتی‌اش شناخته شده است. وی همچنین مؤلف و مترجم کتاب‌هایی چون«چرخ‌دنده‌ها، «نگاه خیره منتقد»، «جایی برای پیرمردها نیست»، «پیش روی» است. آخرین اثر منتشر شده از وی در ایران کتابی با عنوان «شعارنویسی بر دیوار کاغذی» است که اثری تالیفی-نظری با موضوع ادبیات داستانی ایران در دهه هشتاد به شمار می‌رود

عصرانه کتاب روایت فتح برگزار می‌شود

انتشارات روایت فتح و معاونت فرهنگی متروی تهران در برنامه‌های مشترک جهت بهره مندی از ظرفیت‌های مترو و همچنین توسعه فرهنگ کتابخوانی نسبت به برگزاری عصرانه کتاب اقدام کردند.

نشست عصرانه کتاب که با محوریت کتاب شهید منوچهر مدق نخستین جلد از مجموعه اینک شوکران همراه خواهد بود روز چهارشنبه ۲۳ مرداد ماه ساعت ۱۶ در ایستگاه متروی شهید برگزار خواهد می‌شود که در این نشست سرکار خانم فرشته ملکی همسر شهید مدق و سرکار خاتم مریم برادران نویسنده کتاب حضور خواهند داشت.همزمان با برگزاری نشست عصرانه کتاب نیز میز فروش کتاب‌های اینک شوکران با تخفیف ویژه در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

در این برنامه جوایز نفرت برگزیده مسابقه کتابخوانی مدق اهدا خواهد شد که این مسابقه هم اکنون توسط صفحه اینستاگرام انتشارات روایت فتح و همچنین صفحه اینستاگرام معاونت فرهنگی مترو در حال برگزاری می‌باشد و علاقمندان تا پایان ۲۲ مرداد ماه فرصت دارند در این مسابقه شرکت کنند

آغاز نمایشگاه آثار سوخته نگاری « بر ساحل غدیر « همزمان با عید سعید قربان در برج آزادی

نمایشگاه آثار سوخته نگاری « بر ساحل غدیر « از امروز ۲۱ مرداد در برج آزادی آغاز به کار کرد.آیین افتتاحیه این نمایشگاه با حضور دکتر فدا حسین مالکی ، حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی بزرگالعلوم مدیر موسسه فقه پویان بطراعلوم، اصغر امیرنیا مدیرکل دفتر تبلیغ و ترویج معاونت قرآن و عترت و جمعی دیگر از میهمانان و اصحاب رسانه در تالار آیینه برج آزادی برگزار شد .

این نمایشگاه که از جمله برنامه های جشنواره قربان تا غدیر در مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی است با ۲۷ اثر از ۱۰ استان همزمان با دهه ولایت و ماه دایر می باشد. علاقه مندان می توانند تا ۳۱ مرداد همه روزه به جز شنبه ها از ساعت ۹ تا ۲۰:۳۰ از این نمایشگاه بازدید نمایند.

اگر یک روز از عمرتان را به طور کامل به تماشای

بررسی، مطالعه و مقایسه برنامه‌ها و مطالب رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، سایت‌های خبری و برنامه‌های ماهواره‌ای و... اختصاص دهید، به سادگی و با صرف کمی هوشمندی و تیزبینی درمی‌یابید که تا چه حد شباهت، تکرار، یکدستی و همسانی‌های ملال‌آور در بین برنامه‌های ظاهراً «متنوع» این رسانه‌ها و شبکه‌ها و سرویس‌های مختلف آنها وجود دارد. حال بیاید یک روز دیگر از عمرتان را به پرسزدن در شهر و خیابان و محله‌های مختلف و در همراهی، مطالعه و مقایسه اشکال ظاهرا متنوع زندگی روزمره مردم و کسانی که سبک زندگی‌شان تحت تأثیر رسانه‌ها است، بگذرانید. قطعاً بعد از این بررسی و مقایسه هم به سادگی درمی‌یابید که چگونه با نوعی از سبک زندگی همسان و یکدست‌شده در جامعه‌ای که طبیعتاً می‌توانست ملول از تنوع و فردیت‌های منحصر به فرد باشد، مواجه هستید. به بیان دیگر همان یکسانی و تکرار و شباهتی که در رسانه‌ها و برنامه‌های آنها شاهد بودید، در اینجا هم، یعنی در کوچه و محله و خانه و اتاق خواب و آشپزخانه و سالن پذیرایی از یک سو و در شکل‌های چندانگانه و البته فراگیر و یکدست‌شده مرادوات اجتماعی / دوستی / فامیلی / همسایگی و... شاهد خواهید بود. تصور می‌کنید این شباهت‌ها در عرصه رسانه با عرصه زندگی واقعی تصادفی است؟ به عبارتی، آیا آنچه از یکسو دنیای مجازی را دچار یکدستی کرده و از سوی دیگر منجر به یکسانی و همدست شدن دنیای حقیقی شده، با هم بی‌نسبت هستند و این همسانی‌ها کاملاً اتفاقی رخ داده است؟

چند سال پیش فیلم درخشانی با عنوان «ترومن شو» (The Truman Show) که فارسی‌زبان‌ها آن را «نمایش ترومن» خواندند، در سراسر جهان با اقبال مواجه شد. داستان فیلم در عین سادگی، بسیار هوشمندانه است. زندگی یک انسان از بدو تولدش توسط بیشمار دوربینی که از پیش برای پوشش روایت زندگی او تدارک دیده شده بود، فیلمبرداری و پخش می‌شد و همه مردم زندگی یک انسان خاص را به طور زنده دنبال می‌کردند. زندگی ترومن در یک استودیوی بزرگ می‌گذشت و همه چیز و همه کس در آن فضای ایزوله «تدارک» دیده شده بود تا فیلم زندگی ترومن برای دیگران نمایش داده شود. هنوز هم که هنوز است کمتر فیلمی به اندازه «ترومن شو» توانسته دالبالکتیک «زندگی-رسانه» را به صورتی ملموس، ماتریالیستی و به نحو درآماتیک، اینقدر صریح طرح و تفهیم کند. این فیلم لایه‌های مفهومی و تاوولی بسیاری دارد که با یک پا دو بار دیدن، امکان فهم همه آن لایه‌ها و ابعاد محقق نمی‌شود.

خود ترومن به عنوان کسی که قربانی و اسیر یک بازی رسانه‌ای فراگیر شده بود که مخاطبانش را به موجوداتی همسان و یکدست بدل می‌کرد، تنها انسان زنده، منحصر به فرد آن ماجرا و در حقیقت کسی بود که می‌توان دربراهش با معنایی مقدس این عبارت را به کار برد: «او خودش است» طبق باور عموم کسانی که این فیلم را دیده‌اند، موقعیت مرکزی درام و تراژدی نهفته در این اثر متجلی به کاراکتر اصلی فیلم یعنی «ترومن» با بازی «جیم کری» است و همه به نوعی او را قربانی جریان رسانه‌ای، شرکت‌های چندملیتی پروپاگاندا، فضاهای تبلیغاتی سودآوری که با رسانه‌ها همکار و دارای منافع مشترک هستند و... می‌دانستند. در این میانه کمتر کسی تلاش کرد تمرکزش را به سوی جمعیت مخاطبان «نمایش ترمن» در خود فیلم معطوف کند؛ کسانی که هویت قابل تشخیصی برای ما نداشتند و از صبح تا شب کارشان این بود که پیگیر زندگی بسیار معمولی یک آدمی از جنس خودشان باشند که هیچ چیز خاصی هم برایشان نداشت. همه این میلیون‌ها «مخاطب» آن دستگاه عظیم رسانه‌ای، کسانی بودند که خود را وقف روایت زندگی یک آدم مانند خودشان کرده بودند و هر روز صبح تا شب به شکلی یکنواخت یک کار بی‌معنی و از حد زیادی ابیهانه را به طور جدی پیگیری می‌کردند. آنها هویت خاصی برای ما (به عنوان تماشاگران فیلم «ترومن شو») نداشتند، چون اساساً هویت خاص و متمایزی و روان نداشت، آنها تقریباً همه‌شان مانند هم بودند و زندگی آنهاست بود تنها با یک نمایش شبانه‌روزی آنها را با هوشمندی وصف‌ناپذیری، یکسان، یک‌جهت، کاملاً شبیه، تکراری و از این نظر ملال‌آور کندا آنها به معنای واقعی کلمه به «توده» تبدیل شده بودند.

آغاز پرونده «فرهنگ عمومی در جامعه توده‌ای»

«ترومن شو»، «عروسک‌های تهرانی» و «گیم آو ترونز» ندیده‌ها



نکته جالب توجه این فیلم هم همین بود. در آن میان تنها کسی که در این شرایط، دارای هویت بود، خود «ترومن» بود، غیر از ترومن که اسیر یا قربانی آن پروپاگاندا و نمایش عظیم رسانه‌ای بود، همه و همه کاملاً شبیه، همسان و غیرقابل تشخیص بودند. همه همان «افراد منتشر» و «همگان» بودند و تنها «ترومن» بود که با دیگران فرق داشت، فردیتش قابل تشخیص و به همین دلیل قالب اعتنا و احترام بود. ترومن کسی بود که شاید به دلیل همین فردیت و هویت خاص و متمایزش، واقعا شایسته روایت شدن بود، نه مانند کسانی که روایت زندگی ترومن بر آنها تحمیل می‌شد و آنها به طور یکنواخت و همسان‌تر از همیشه به تماشای او می‌نشستند. به عبارت روشن‌تر خود ترومن به عنوان کسی که قربانی و اسیر یک بازی رسانه‌ای فراگیر شده بود که مخاطبانش را به موجوداتی همسان و یکدست بدل می‌کرد، تنها انسان زنده، منحصر به فرد آن ماجرا و در حقیقت کسی بود که می‌توان دربراهش با معنایی مقدس این عبارت را به کار برد: «او خودش است»!

اگر از این منظر به فیلم «نمایش ترومن» نگاه کنیم دیگر این ترومن نیست که قربانی جریان رسانه‌ای غالب در جامعه‌اش است، قربانی‌ای که در لحظاتی معین، میلیونها آدم به او می‌خندیدند، با برایش غصه می‌خوردند، و در عین حال همواره از اینکه جای ترومن نیستند، در خودشان احساسی خوشبختی می‌کردند؛ از این منظر ترومن اصلاً یک قربانی، یک احق، بازیچه و آدمی که در باغ نیست، نیست! بلکه قربانیان واقعی کسانی بودند که چنین تصویری نسبت به ترومن داشتند: تماشاگران رسانه‌ای که نمایش ترومن را پخش می‌کرد» آنها بودند که در فرایندی یکدست‌ساز و هویت‌زدا قربانی جریان سودآور رسانه‌ها شده بودند، از خویشتن خویش گسسته و سرگرم چیزی شده بودند که آنها را از مهمترین چیزی که داشتند یعنی «زندگی برای خویش» گسسته بود؛ بازیچه‌های واقعی و ملال‌آور ماجرای ترومن اینها بودند، اتفاقاً خود ترومن به دلیل تشخیص و فردیتش، اصلاً ملال‌آور نبود؛ و به همین دلیل (ملال‌آور نبودن) توانسته بود سال‌های سال مخاطبانی بی‌هویت، همسان و یکدست شده را پای گیرنده‌ها نگه دارد. بررسی‌ها و مشاهدات میدانی و تجربیات سازشی در کنار کاربران ایرانی رسانه‌های جمعی و فضای مجازی امروز، به شکلی نمادین یادآور وضعیت مردمانی است که در فیلم «ترومن شو» شاهدان زندگی ترومن هستند. نوعی یکدستی ملال‌ور به وی آن همه ما امکانات فردیت‌ساز، متمایزکننده و معطوف به تغییر را از دست داده‌ایم؛ همه هم‌رنگ جماعتی شده‌ایم که شاید کمترین درکی هم از آن نداریم و علی‌رغم میل بدیانه‌وارمان برای تحول آنچه هست، به لحاظ تبدیل شدن به توده، هیچ اراده و رمقی برای زمینه‌سازی تحولات مطلوب نداریم، همه ما دچار نوعی همسانی و یکدست‌شدنی هستیم که تمام توان انقلابی‌راضمحل و منحل می‌کند و در نهایت هر روز و هر شیمان را به تکرار ملال‌آور به پیش می‌رانند. در عین حال در دل جامعه‌ای هستیم که به شیوه‌ای بدوی تلاش می‌کند تا از قافله عقب نیفتند، یعنی خویش را در تجربیات دیگران شریک می‌کند تا از قافله یکدست‌شدن با دیگران پس نیفتند. این جامعه توده‌ای جامعه‌ای که اگر «نمایش ترومن» در حال پخش باشد، تلاش می‌کند خود را خیلی زود به دستگاه گیرنده برساند، نمایش را تماشا کند تا درباره آن چیزی را گفتن داشته

دقیقا کدام تحول و تمایز و تشخیص و دگرگونی را دنبال می‌کنند؟

می‌توان یکبار به طور جدی از خود پرسید که اساساً چرا در جامعه‌ای مانند ایران – بنا به آمار پست‌های منتشر شده مردم – باید حجمی معادل چند دهه‌میلیون نفر بروند کتاب «دنیای سوفی» را بخوانند؟ جواش این نیست که اگر این کتاب را نخوانیم، احتمالاً خود را «از قافله عقب افتاده» در نظر خواهیم گرفت؟! چه چیزی ضرورت تماشای دیوانه‌وار سرپال‌های «گیم آو ترونز» و «چرنوبیل» و... را رقم زده است؟ چرا هر کسی که «گیم آو ترونز» را نمی‌بیند، خود را کیلومترها عقبتر از بقیه احساس می‌کند و هر طور شده، می‌خواهد دوان دوان خود را به قافله بینندگان فصل جدید و تماشاگران آنلاین آن برساند؟ و سوال اساسی‌تر اینکه کدام یک از این میلیونها نفری که «دنیای سوفی» را خوانده‌اند یا «گیم آو ترونز» دیده‌اند به آن یکی فرق دارند؟ کدامشان پس از دیدن و خواندن این آثار توانسته‌اند واجد یک آگاهی و درک متمایز شوند که طبق آن تلاش بتوانند روایتی یگانه و فرید از آنچه خوانده یا تماشا کرده‌اند، ارائه دهند؟ کدامشان حتی ذره‌ای با دیگری متفاوت است تا بتواند در لحظه تصمیم‌گیری درباره مرگ و زندگی، راهی را انتخاب کند که دیگری عکس آن را انتخاب خواهد کرد؟ و... دقت کرده‌اید که دختران امروز کلان‌شهرهای ایران به طرز عجیب و غریب و باورنکردنی‌ای، همه شبیه به هم هستند؟ یعنی همه باید دخترانی را که به طور گسترده‌ای خود را شبیه عروسک کرده‌اند، دوست داشته باشند؟ چرا این‌همه «بینی» و «گونه» و «ناخن» و «لب و لوجه» مشابه به هم در شهری مثل تهران با بیش از ده میلیون نفر جمعیت پیدا می‌شود؟ این همه شباهت و یکسانی در دهه‌های اخیر از کجا آمد؟

جواب‌ها عموماً منفی است! جامعه و فرهنگی عمومی کنونی در ایران چنان تحت تأثیر یکدست‌سازی و فرایند توده‌ای‌ساز رسانه‌ها قرار دارد که حتی ناتوان از درک وضعیت موجود خویش است؛ اینکه دیگر نمی‌تواند به عنوان سوزه فرهنگی و اجتماعی سر بلند کند و تصمیم خویش را بگیرد، بلکه توده‌ای بی‌شکل است که از سوی دیگران (عموماً رسانه‌ها) کنترل می‌شود. در چنین جامعه‌ای، شما هم به شیوه‌ای یکدست‌شده، مخاطبان همسان برنامه‌های یکدست‌شده هستید، همه تأثیرات یکسان و مشابهی از این برنامه‌ها می‌گیرید. چیزی جز این باشد، با امل و پابتی هستید یا قربانی و ابزار دست! این سرشونت محتوم توده‌ای است که با عنوان «جامعه» برایش تعین و دست و پا می‌کنیم.

در کنار این نقد فرهنگ عمومی، حتماً باید نگاهی انتقادی به رسانه‌ها هم داشت؛ آنگونه که «هورکایمر» و «دورنو» در بحث در«شان «صنعت فرهنگسازی» تبیین کرده‌اند، قطعاً یکی از اصلی‌ترین اهداف جریان اصلی رسانه‌ای در موقعیت جهانی‌سازی همین یک‌رنگ‌سازی و یکدست کردن توده‌ها بوده و است و متأسفانه باید پذیرفت که رسانه‌های جمهوری اسلامی هم که ابتدا انتظار می‌رفت گسستی را در روند و روال رسانه‌های جهانی از خود نشان دهند، نه تنها موفق به چنین کاری نشده‌اند، بلکه شاید بدتر (حرفه‌ای‌تر) از آن رسانه‌ها، به همسان‌سازی، یکدست و توده‌ای کردن جامعه مخاطبانشان اقدام کرده و با انواع بازی‌ها، سرگرمی‌ها و حتی لوذگی‌ها که نمونه‌هایش در هیچ سرزمینی امکان وقوع نمی‌یافت، چنان تفرّد معطوف به تصمیم و تغییر را از مخاطبانشان گرفته‌اند و آنها را به توده‌هایی بی‌شکل بدل کردند که در نوع خود بی‌نظیر بوده‌است.

در این وضعیت سوال اساسی این است که آیا رسانه‌های امروز در جامعه ایران می‌توانند در جهان یکدست‌شده کنونی که همه چیز به نوعی سائق به بازتولید و تکرار وضعیت‌های موجودند، سخن از فضایی آرمانی و در عین حال مستقل و خوداثین بزنند و مخاطبشان را به سمت نوعی مقاومت، تغییر و فراوی از وضعیت موجود فرا بخوانند؟ اساساً نوع مواجهه مخاطب ایرانی با رسانه‌های این سرزمین اعم از سینما و خبرگزاری و روزنامه و تلویزیون و رادیو و... تا چه حد واجد این جدیت معطوف به مقاومت در برابر ابتذال سودآور و تغییر وضعیت و جستن راهی برای راه‌یابی است؟ اینگونه به نظر نمی‌رسد و پرونده «فرهنگ عمومی در جامعه توده‌ای» سرویس فرهنگ خبرگزاری مهر قرار است در این خصوص مته به خشنواش بگذارد

اخبار

۱۰ شرکت کاغذ می‌آورند، اما خودشان مصرف نمی‌کنند

طبق خبر از روابط‌عمومی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: از زمان تشکیل کارگروه کاغذ در معاونت مطبوعاتی در اردیبهشت اسمال تاکنون مجموعاً درخواست واردات ۲۳ هزار تن کاغذ روزنامه از ۱۰ موسسه یا شرکت «زرقا تجارت مبین، چاپ و انتشارات کیهان، ارمنان گستر نوید، شرکت کاغذ پیک فراز، کاغذ گستران خاور، ایرناچاپ، خراسان، نگار گستر هامون، نوین ترخیص باقی و همشهری»، به تأیید این معاونت رسیده است.

در این اطلاعیه آمده است: موسسات مطبوعاتی حاضر در فهرست شرکت‌های مورد تأیید این معاونت، موظف شده‌اند کاغذ وارداتی را در اختیار معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دهند و این کاغذ مصرفی آن موسسه و روزنامه محسوب نمی‌شود.

گفتنی است تاکنون از مجموع درخواست‌های تأیید شده معاونت مطبوعاتی، ۲۴۱۶ تن تأمین از اول شده است؛ ۲۱۰۰ تن از این کاغذها تا اول مردادماه توزیع شده و ۱۵۰۰ تن نیز به‌منظور تأمین کاغذ ۳ ماهه روزنامه‌ها در هفته آخر مردادماه توزیع می‌شود. ۴۶۰۰ تن کاغذ دیگر نیز تا اوایل شهریور توزیع خواهد شد.

روند حمایتی ۳ ماهه کاغذ، برای سایر نشریات ادواری (غیر روزنامه) به زودی انجام خواهد شد

سر کاخ سعدآباد به دلیل برگزاری کنسرت های متعدد شلوغ شد

علیرضا قربانی روزهای آخر کنسرتش را در ایوان عطار کاخ سعدآباد می‌گذرانند. او قرار است کنسرت با من بخوان را در کاخ چهلستون اصفهان نیز اجرا کند که البته با مخالفت‌های اهالی میراث فرهنگی در این استان مواجه شده است و بارها رسانه‌ها درباره اینکه نباید چنین کنسرتی در کاخ چهلستون برگزار شود، مطالب نوشته‌اند.

بعد از قربانی قرار است کنسرت ها و نمایش های دیگری در کاخ سعدآباد برگزار شود، کنسرت عبدالحسین مختاباد دوشنبه ۲۸ مرداد در سالن ایوان عطار کاخ سعدآباد روی صحنه می‌رود.

۲۹ مرداد هم گروه پالت برنامه خواهند داشت. اول شهریور ماه نیز کنسرت گروه داماهی اجرا می شود. کنسرت گروه بهرانی مدبر هفتم شهریور ماه اجرا دارد و کنسرت کبان پورتراب نیز برای روز هشتم شهریور ماه تمدید شد. گویا در فصل تابستان برنامه های فرهنگی ایوان عطار نیز رونق خواهد گرفت و هر شب میزبان گروه زیادی از مردم خواهد بود که به کنسرت ، نمایش و یا برنامه های دیگری می روند.

در اردیامحرم و صفر نیز قرار است تا نمایشی با همین مضمون اجرا شود که البته هنوز نهایی نشده است در این باره، کیا پارسا مدبر مجموعه کاخ سعدآباد به خبرنگار مهر گفت: برای اجرای هر برنامه فرهنگی و هنری از جمله کنسرت ما کارگروه فرهنگی داریم که معاونان فرهنگی و مشاوران هنری در آن حضور دارند و برنامه مورد نظر را ارزیابی می کنند هر برنامه نیز باید به تأیید اداره کل فرهنگ های کشور برسد و موافقت آنها را نیز کسب کنیم.

پارسا افزود: درخواست هایی که به کاخ سعدآباد برسد را بررسی می کنیم اگر آن برنامه تکراری نباشد یعنی قبلا در کاخ برگزار نشده باشد، در شان مجموعه بوده و فاخر باشد مورد تأیید قرار می گیرد.

وی افزود: برگزاری کنسرت ها دوره ای است و گروه‌های مختلفی حضور خواهند داشت برنامه هنری را برای برنامه های دیگر راجمعه ایام، اجرای برنامه های دیگر که در کنار موزه ملت برگزار می شد، متوقف شده تا به بنا ، محوطه و فضای سبز آسیبی وارد نشود. این برنامه ها تنها در ایوان عطار برگزار خواهند شد.

ساعت کار موزه های کاخ سعداباد تا ۷ شب است و لاین حفاظتی دور تا دور ایوان گذاشته شده تا پس از ساعات اداری کسی وارد مجموعه کاخ نشود.

مدیر کاخ سعدآباد گفت: قرار نیست تا برنامه های فرهنگی و یا کنسرتی که به عنوان مثال در کاخ نیاوران برگزار می شود، را در سعدآباد هم اجرا کنیم برنامه های آنها تناسب موضوعی متفاوتی دارند. ما برنامه های کاخ های دیگر راجمعه تبلیغ می کنیم ولی اگر برنامه ای در سعدآباد یک بار اجرا شده باشد سعی می شود دیگر آن را تکرار نکنیم و به جای دیگری انتقال دهند.

پارسا ادامه داد: هزینه هایی که بابت قرارداد با گروه‌های فرهنگی و هنری برای استفاده از ایوان عطار گرفته می شود ، به خزانه دولت واریز خواهد شد بنابراین سعدآباد از محل برگزاری این برنامه ها به دنبال منافع اقتصادی نخواهد بود همچنین قصد درآمدمزایی برای هنرمندان را ندارد بلکه به دنبال اوقات خوب برای مردم است بنابراین باید تنها گروه‌های فاخر در این مجموعه برنامه داشته باشند .

وی همچنین درباره تعطیلی های کاخ سعدآباد به واسطه میزبانی از مهمانان خارجی ریاست جمهوری نیز توضیح داد: روزهایی که به این واسطه کاخ سعدآباد تعطیل می شود، امسال به تعداد انگشتان دست هم نبوده است. ما هماهنگی خوبی با تشریفات نهاد ریاست جمهوری در این باره داریم و با ما در این باره همراه بوده اند. برخی اوقات ممکن است پای منافع ملی در میان باشد

آغاز پرونده «فرهنگ عمومی در جامعه توده‌ای»

برگزاری مجموعه برنامه‌های «همیشه امیر» ویژه دهه ولایت

با عنوان «آینه با آینه» در دو روز شب و روز عید غدیر است.

نشست‌های شعر خوانی

ویژه‌برنامه «غزل ارادت» شب شعرهایی است که شاعران

کانون‌های شعر و ادب سازمان فرهنگی هنری با موضوعات مرتبط با

واقعۀ غدیر خم و مناقب حضرت علی (ع) به شعر خوانی می‌پردازند.

این نشست‌های شعر خوانی از ۲۱ تا ۲۹ مرداد در ۱۱ منطقه برگزار

می‌شود و در پایان به ۱۰ شاعر معرفی شده توسط مناطق هدیه‌ای به

رسم یادگار اهدا می‌شود.

کاروان شادی

«شهر ولایت» از دیگر برنامه‌های دهه ولایت است که ۲۹ مرداد

با راه اندازی هیات‌های مذهبی و کاروان شادی به همراه اهدای گل

به مردم در چهار منطقه تهران برگزار می‌شود.

جایزه هنری پژوهشی غدیر

ششمین جایزه هنری پژوهشی غدیر در آستانه عید غدیر ۲۷ مرداد در موزه هنرهای ادبی دمنی علی(ع) برگزار می‌شود. این جایزه

نکوداشت هنرمندانی است که در حوزه زنده نگه‌داشتن عنوان غدیر و

ترویج نگاه و سیره امیرالمومنین علی(ع) شاخص و مطرح‌ند و همچنین

نمایشگاهی از آثار هنرمندانی که آثارشان در گنجینه موزه امام

علی(ع) موجود است، برگزار می‌شود.

«غذیرانه» در میدان آیینی امام حسین(ع)

«غذیرانه» عنوان برنامه‌ای است که به مدت ۹ شب از ۲۱ تا ۲۹

مرداد در ۴ بخش در میدان آیینی امام حسین(ع) برگزار می‌شود.

برپایی برنامه جشن هر شب با اجرای نمایش، مسابقات مختلف

ویژه بزرگسالا و کودکان، اجرای موسیقی، نورافشانی و پذیرایی از

ساعت ۱۸:۳۰، اجرای نمایش «ولایت» به کارگردانی قاسم شاورزی با

بازسازی و اجرای غدیر خم با همراهی مخاطبانی که در این برنامه حضور

دارند و اجرای نمایش «قاصدی از غدیر» به کارگردانی زهرا پور خرمی

در سالن سینمای فرهنگ‌سرای عزت واقع در میدان امام حسین (ع)

قبل از اذان مغرب و «مانده غدیر» برپایی ۲۰جاگاه پخت طعام در

همزمان با فرا رسیدن دهه ولایت؛ عید قربان و غدیر، سازمان

فرهنگی هنری شهرداری تهران ویژه‌برنامه‌هایی با عنوان «همیشه امیر»

را با هدف گسترش شناخت شهروندان از الگوهای دینی برگزار می‌کند.

مجموعه جشن‌های «شبیۀ چشمه»

مجموعه جشن‌های «شبیۀ چشمه» به مناسبت عید غدیر خم و با هدف بزرگداشت بزرگترین عید شیعیان جهان و تبیین جایگاه

امامت و ولایت در بین مردم از ۲۷ تا ۲۹ مرداد در مراکز فرهنگی

هنری مناطق ۲۲ گانه تهران برگزار می‌شود. این جشن‌ها با برپایی

ایستگاه‌های مختلف فرهنگی هنری چون؛ مسابقه، گفت‌وگوی

مذهبی، نمایش کودک، اجرای گروه‌های موسیقی، تجلیل از خانواده

شه‌ها، اجرای نقالی و... برگزار می‌شود.

تجلیل از ۱۱۰ خانواده شهید و ایثارگر سادات

«مهر آیین» دیگر برنامه‌ای است که با تجلیل از ۱۱۰ خانواده

شهید و ایثارگر سادات از ۲۱ تا ۲۷ مرداد در مناطق ۲۲ گانه شهر

تهران برگزار می‌شود. این برنامه برای نخستین بار در نوروز ۹۸

به‌غبار رویی از منزل شهیدان برگزار شد. در مرحله دوم این طرح،

ساکنان مناطق ۱۲گانه به همراه اعضای کانون‌ها به دیدار خانواده

۱۱۰ شهید و ایثارگر سادات رفته و ضمن غبار رویی از منازل و اهدای

شال سبز سیادت از آنها برای حضور در جشن‌های عید غدیر مراکز

فرهنگی هنری مناطق دعوت می‌کنند.

اجرای ۱۱۰ مجلس پرده‌خوانی و نقالی

اجرای ۱۱۰ مجلس پرده‌خوانی و نقالی با عنوان «برکه و رود» و

با هدف به روزرسانی هنر سنتی و دیرینه نقالی در انتقال روایت‌های

جذاب و شنیدنی فضایل ولای حضرت امیرالمومنین(ع)، در ۱۱۰

نقطه از شهر تهران از ۲۱ تا ۲۹ مرداد برگزار می‌شود.

توزیع محصولات در ۱۱۰ مسجد تهران

یکی دیگر از فعالیت‌های سازمان فرهنگی هنری در دهه ولایت

تولید و توزیع محتوای تصویری با هدف ترویج سنت حسنه عقد اخوت و

انتشار در فضای مجاز و همچنین توزیع محصولات در ۱۱۰ مسجد تهران